

آندرانیک هویان

نمونه‌هایی از سانسور نمایشنامه‌ها



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در اواخر عصر ناصری محمد حسن خان اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد که همانند کشورهای اروپائی اداره سانسور در ایران نیز تأسیس گردد، شاه قاچار پیشنهادش را پذیرفت و او را مأمور ایجاد این اداره کرد، و از آن پس اصطلاح سانسور در ایران مصطلح گردید^۱، که مأخوذه از زبان فرانسه، و همانا ممیزی، تفتیش مطبوعات و مکاتیب و نمایشنامه‌ها است^۲.

اولین سالن تئاتر دولتی تهران در سال ۱۳۰۳ قمری در قسمت شرقی مدرسه دارالفنون ساخته شد و نمایشنامه‌های مختلفی در این سالن بروی صحنه آمد. برخی از این نمایشنامه‌ها گرچه باب طبع و مورد پسند اعتماد السلطنه وزیر انطباعات نبود و وی آنها را «خیلی خنک» تفسیر کرده است^۳، ولی او را یارای ایجاد تضمینات و سانسور نمایش‌هایی که به وسیله مزین الدوله، وزیر علوم ناصری، کریم شیرهای و اسماعیل بزاز و سایرین برای ناصرالدین شاه اجرا می‌کردند نبود.

اداره انطباعات در سالهای نخست، نمایشنامه‌ها را به طور سطحی بررسی کرده و اجازه اجرا می‌داد، ولی به تدریج تضییقات به وجود آمد، و هر یک از مسئولان اداره انطباعات چیزی بر آن افزود، تا آنجا که متن برخی از نمایشنامه‌های معروف مانند «اتللو» را که از شهرت جهانی برخوردار است تغییر داده و هر چه میلشان بود در مورد نمایشنامه‌ها اعمال کردند.

از سال ۱۳۳۷ هجری قمری (۱۲۹۸ شمسی) متقاضیان اجرای نمایشنامه‌ها در تهران ناگزیر بودند قبل از اجرای نمایشنامه‌ای، آنرا برای کسب اجازه به وزارت معارف ارائه دهند. نمایشنامه‌ها به وسیله اداره انطباعات وزارت معارف بررسی شده و اجازه نمایش صادر می‌گردید. نمایشنامه «جزای خدائی» در سال ۱۳۰۰ شمسی در تهران به روی صحنه آورده شد. اداره انطباعات در حاشیه صفحه آخر نمایشنامه مزبور چنین نوشت:^۴

۷ ثور ۱۳۰۰

پیس جزای خدائی که دارای بیست صفحه است
ملاحظه شد بمعرض نمایش گذاشته شود

این متن با مهر اداره انطباعات که تاریخ ۱۳۳۷ قمری داشت، ممهور گردید.

در زمستان سال ۱۳۰۰ یک گروه تئاتر از بازیگران تئاتر تهران برای اجرای نمایشنامه «عاشق غریب» عازم رشت گردید. مسئول گروه تئاتر، پیش از اجرای نمایشنامه یک جلد از نمایشنامه چاپ شده را به اداره معارف گیلان ارائه داد، اداره معارف پس از بررسی آن و ثبت در دفتر نمایشات

اجازه اجرا داد و در حاشیه صفحه آخر نمایشنامه نوشت:^۵

به نمره ۳۵ مورخه ۹ جدی ۱۳۰۰ ثبت
دفتر نمایشات معارف گیلان گردید

نمایشنامه «عاشق غریب» سپس در بندر انزلی به روی صحنه رفت و اداره معارف انزلی، بر جلد نمایشنامه مزبور با نوشتن «انزلی، اداره معارف» به آن اجازه نمایش داد. از سال ۱۳۰۱ در ادارات معارف شهرستانها، دایره انطباعات تأسیس گردید، و از این سال، اولین تظییقات برای نمایشنامه‌ها به وجود آمد. اداره انطباعات در تهران و دوایر انطباعات در شهرستانها، هنگام ثبت نمایشنامه‌ها در دفتر نمایشات، جمله «اجازه نمایش برای یکدفعه» را بر متن اجازه‌نامه‌هایی که صادر می‌کردند افزودند. جمله مزبور در اکثر مجوزهایی که در طی دهه اول و دهه دوم و تا حدی دهه سوم سده چهاردهم شمسی برای نمایشنامه‌ها صادر گردیده است، دیده می‌شود.

نمایشنامه «عاشق غریب» در سال ۱۳۰۲ مجدداً در رشت و بندر انزلی به روی صحنه آورده شد. دایره انطباعات اداره معارف گیلان، در همان صفحه آخر نمایشنامه مزبور که در سال ۱۳۰۰ شمسی متن مجوز را بر آن نوشته بود. جملاتی بر متن مجوز قبلی افزود بدین وجه که در سطر بالای اجازه نامه قبلی نوشت «۳۱ سرطان ۱۳۰۲» و در زیر سطر آخر: «برای یکدفعه اجازه نمایش داده میشود» و متن مجوز مزبور به این صورت درآمد:

۳۱ سرطان ۱۳۰۲

به نمره ۳۵ مورخه ۹ جدی ۱۳۰۰ ثبت
دفتر نمایشات معارف گیلان گردید
مجدداً برای یکدفعه اجازه نمایش داده میشود

و این متن را با مهر دایره انطباعات که تاریخ ۱۳۰۱ را داشت
ممه‌ور کرد.

از سال ۱۳۰۴ کلیه متقاضیان اجرای نمایشنامه‌ها موظف
بودند پنج قران تمبر بر روی تقاضانامه خود الصاق کنند.^۷
این تمبرها، تمبرهای مالیه بود با «سورشارژ»^۸ طهران معارف
۱۳۰۴. تمبرهای مزبور با مهر وزارت معارف ممهور می-
گردید.

در سالهای بعد متن اجازه‌نامه‌ها تغییر کرد، و در متن
آن، نام نمایشنامه، نام نویسنده، نام مترجم، تعداد صفحات
نمایشنامه و تعداد پرده‌های آن نوشته می‌شد. نمایشنامه‌ها
پس از بررسی اداره انطباعات و صدور مجوز، به نظمیه
ارائه می‌گردید و بعد از صدور اجازه از سوی اداره اطلاعات
نظمیه، قابل اجرا بود.

در سال ۱۳۱۰ نمایشنامه «اتللو» اثر شکسپیر آماده اجرا
شد، نمایشنامه همراه با تقاضانامه به اداره انطباعات وزارت
معارف ارائه گردید. اداره مزبور با الحاق متنی به شرح زیر
موافقت خود را با اجرای آن اعلام داشت:^۹

«پیس «اوتللو» تصنیف شکسپیر شاعر معروف انگلیسی
ترجمه شده ارتیست قوسطانیان در پنج پرده و ۲۲ صفحه
ملاحظه شد، در دفتر نمایشها تحت نمره ۴۶۷ ثبت گردید،
نمایش آن که به زبان ارمنی خواهد بود بدون تحریف و تغییر
آنچه در پیس مندرج است مانعی ندارد» ۱۳۱۰/۱۱/۲۸

نمایشنامه «اتللو» سپس به نظمیه برده شد. اداره اطلاعات نظمیه با درج متنی بسیار کوتاه: «بزبان ارمنی برای نمایش مانعی ندارد» موافقت خود را اعلام کرد. از سال بعد کلیه صفحات نمایشنامه‌ها بوسیله مهر «اداره انطباعات» و «اداره سیاسی نظمیه» ممهور می‌شد. و سپس جمله «صفحات پیس که ممهور به مهر اداره انطباعات نباشد الحاق و از درجه اعتبار ساقط است»^{۱۰} از سال ۱۳۱۱ بر متن کلیه اجازه‌نامه‌ها افزوده شد. اداره سیاسی نظمیه نیز متنی به این شرح بر نمایشنامه‌ها می‌نوشت:

«با اصلاحاتی که شده بزبان..... برای يك پروگرام نمایش آن مانعی ندارد، در صورت تجدید محتاج اجازه ثانوی است، اوراقی که ممهور به مهر اداره سیاسی نباشد از درجه اعتبار ساقط است.»

وزارت معارف در سال ۱۳۱۳ به وزارت معارف و اوقاف تغییر نسام داده و اداره انطباعات نیز تبدیل به اداره کل انطباعات گردید، از این سال بر مبلغ تمبری که بر روی تقاضا نامه‌ها الصاق می‌گردید، افزوده شد، و از پنج ریال به پنجاه ریال افزایش یافت.

اداره کل انطباعات علاوه بر تفتیش و سانسور نمایشنامه‌ها، تمهیدات جدیدی برای متقاضیان اجرای نمایشنامه‌ها به وجود آورد، و آنان را کاملاً تحت نفوذ خود درآورد. برای آگاهی بیشتر از این قید و بندها به متن اجازه‌نامه نمایشنامه (تایفون) که در صفحه آخر نمایشنامه مزبور نوشته شده توجه می‌کنیم^{۱۱}:

«این نسخه پیس موسوم به (تایفون) تالیف کیسکیل آلمانی که بوسیله آرتیست قوسطانیان بفارسی ترجمه شده، دارای ۱۷ صفحه نیم ورقی است که تمام صفحات آن بمهر اداره انطباعات رسیده ملاحظه گردید، مانعی برای نمایش بزبان ارمنی ندارد و صاحب پیس متعهد میشود که شرایط ذیل را رعایت نماید:

اولا - قبل از نمایش پیس را باید بنظر اداره محترمه تشکیلات نظمیه مملکتی برساند.

ثانیا - در صورت واگذاری نمایش پیس بشخص دیگر، یکنفر مدیر مسئول باده اداره انطباعات معرفی کند.

ثالثا - نمایش در ساعتی که در اعلان معین شده است باید شروع نموده (شده) و فواصل میان پرده‌ها بیش از ۲۵ دقیقه نباید طول بکشد و بدون تحریف و تغییر و افزایش مطلب دیگر بمعرض نمایش بگذارد. پیس مزبور در تاریخ ۱۸ حوت ۱۳۰۲ تحت نمره ۲۱ اجازه نمایش آن صادر گردیده است. مبلغ پنجاه ریال تمبر قانونی بورقه تقاضانامه الصاق شده است در دفتر نمایش ذیل نمره ۲۷ ثبت گردید. ۱۳۱۳/۱۰/۴ کفیل اداره کل انطباعات».

گویا در این سال اداره کل انطباعات به علت شدت بخشیدن به سانسور نمایشنامه‌ها، دچار مشکلات اداری و حواس پرتی شده بود چون نمایشنامه «راهزنان» اثر شیلر نویسنده آلمانی در تاریخ ۱۳۱۳/۸/۲۹ به شماره ۲۸ در دفتر نمایش اداره کل انطباعات ثبت شد^{۱۲}. پس از گذشت مدتی (۳۵ روز) نمایشنامه «تایفون» برای کسب اجازه به اداره کل انطباعات ارائه گردید و در تاریخ ۱۳۱۳/۱۰/۴ بشماره ۲۷ در دفتر

نمایش آن اداره کل به ثبت رسید!! متن تعهدنامه‌هایی که متقاضیان اجرای نمایشنامه‌ها موظف به رعایت دقیق نکات آن بودند از سال ۱۳۱۴ بر روی صفحات نمایشنامه‌ها نوشته نمی‌شد، و تعهد نامه‌ای مجزا، از متقاضیان نمایش گرفته می‌شد، و بر روی صفحه آخر نمایشنامه این جمله ذکر می‌گردید:

«متصدی نمایش طبق التزامیکه سپرده است باید رفتار نماید.»

صدور مجوز برای اجرای نمایشنامه‌ها در شهرستانها روالی دیگر داشت، مسئولان دواير انطباعات و تفتیش ادارات معارف و اوقاف شهرستانها هريك به سلیقه خود متنی برگزیده بودند و بر روی یکی از صفحات نمایشنامه می‌نوشتند، و متن واحدی مورد استفاده آنان قرار نمی‌گرفت، ولی از متن اداره کل انطباعات تا حدودی الگو می‌گرفتند.

اداره معارف و اوقاف گیلان برای نمایش، نمایشنامه «زن مجهول» یا «زن نامعلوم» چنین نوشته است:

«نمره ۶- ۲۲/۱/۱۳۱۵ نسخه پیس «زن نامعلوم» که در چهار پرده تنظیم و در ۲۶ صفحه نوشته شده است و همه آنها بمهر دایره تفتیش معارف رسیده است ملاحظه و اجازه نمایش آن داده میشود. این اجازه فقط برای یکدفعه و تا چهار ماه از این تاریخ اعتبار دارد. در دفعات بعد و نیز در صورتیکه بعد از انقضای چهار ماه مایل (به) نمایش آن باشند این نسخه را باید مجدداً ارائه داده و اجازه نمایش آن تحصیل گردد.»

رئیس معارف و اوقاف گیلان

نمایشنامه «زن نامعلوم» یا «زن مجهول» برای اجرا به بندر پهلوی برده شده با وجود اینکه اداره معارف و اوقاف گیلان نمایشنامه مزبور را مورد تفتیش قرار داده و اجازه نمایش برای آن صادر کرده بود، اداره معارف بندر پهلوی نمایشنامه - «زن نامعلوم» را مورد بررسی و تفتیش مجدد قرار داد و متنی به این شرح برای آن نوشت:

پیس «زن نامعلوم» که در چهار پرده تنظیم و در ۲۶ صفحه نوشته شده است و با اجازه آن هم اداره معارف و اوقاف موافقت نموده اند، برای یکدفعه در بندر پهلوی اجازه نمایش داده میشود».

۱۳۱۵/۲/۳ رئیس معارف بندر پهلوی

نماینده معارف لاهیجان سلیقه اش با رئیس معارف بندر پهلوی متفاوت بود او متنی ساده تر به این شرح برگزیده بود:

«پیس... در ۲۸ صفحه مطالعه گردید برای یکدفعه

بخواهند نمایش بدهند مانعی ندارد ۱۳۱۵/۵/۱۹»

نماینده معارف لاهیجان

رئیس شهر بانی لاهیجان «رسد بان يك و ثوقی» در بررسی نمایشنامه ها موشکاف تر بود. او نام بازیگران نمایشنامه را نیز در حاشیه متن اجازه نامه نمایشنامه می نوشت و با متنی مختصر به آن اجازه اجرا می داد^{۱۳}:

«۱۳۱۵/۵/۱۹ پیس آرشین مال آلان در چهار پرده قرائت

شد برای یکشب در لاهیجان نمایش دادن مانعی نخواهد داشت».

رئیس شهر بانی لاهیجان رسد بان يك و ثوقی

رسد بان يك وثوقی متن مزبور را با عنوان رئیس شهر بانی لاهیجان امضاء کرده بود ولی بر مهر مورد استفاده او نوشته شده بود: «نظمیه لاهیجان».

ادارات معارف و اوقاف شهرستانها برای صدور مجوز وجهی دریافت نمی‌کردند ولی اداره معارف و اوقاف گیلان از سال ۱۳۱۵ متقاضیان اجرای نمایشنامه‌ها را موظف کرد که به تقاضانامه خود مبلغ پنجاه ریال تمبر الصاق نمایند. آن اداره به نمایشنامه «عروس کدخدا احمد» با این متن اجازه اجرا داده:^{۱۴}

«نمره ۸ - ۱۳۱۵/۲/۱۷

این نسخه پیس موسوم به (عروسی کدخدا احمد) ترجمه از زبان ارمنی و عدد صفحات آن با صفحه مقابل ۲۸ و تمام آنها بمهر دایره تفتیش رسیده ملاحظه شد و اجازه نمایش آن داده میشود. این اجازه فقط برای یکدفعه و تا چهار ماه از این تاریخ اعتبار دارد در دفعات بعد نیز در صورتیکه بعد از انقضای چهار ماه مایل به نمایش آن باشند این نسخه را باید مجدداً بداره ارائه داده و اجازه نمایش تحصیل نمایند توضیح آنکه مبلغ ۵۰ ریال تمبر مقرر به باصل تقاضانامه الصاق گردید.

رئیس اداره معارف و اوقاف گیلان»
از سال ۱۳۱۶ نمایشنامه‌ها بیشتر از سال پیش مورد بی‌مهری عوامل سانسور و تفتیش قرار گرفتند. نمایشنامه‌ای که قبلاً بررسی و تفتیش و سپس اجرا شده بود مجدداً دچار سانسور گردید و بخشی از متن آن حذف شد. نمایشنامه «زن مجهول» نوشته «الکساندر بیسن» که به فارسی ترجمه

شده و از سال ۱۳۱۳ بارها اجرا شده بود در سال ۱۳۱۶ دچار تیغ از نیام برکشیده سانسورچی گردید. و سانسورچی قبل از ثبت در دفتر نمایشات، با توجه به خواست، میل، احساسات و نیازهای روحی خود به کم و زیاد کردن متن نمایشنامه پرداخت و سپس اجازه نامه مفصلی به این شرح برای نمایشنامه نوشت:

«این نسخه پیس درام موسوم به زن مجهول که طبق اظهار آقای میکائیل قسطنانین بوسیله مشارالیه (تعدادی از کلمات از بین رفته) ... و دارای ۳۱ صفحه و در چهار پرده است و تمام صفحات آن بمهر اداره انطباعات رسیده ملاحظه و بررسی گردید. از لحاظ نکات ادبی و اصول فنی نمایش آن با اصلاحاتی که شده برای یک برنامه بمدت ۴ ماه مانعی ندارد ولی از لحاظ مقتضیات موکول باجازه اداره کل شهر بانی است و آقای قسطنانین ملزم است که طبق التزامیکه (داده) مورخ ۱۶/۷/۷ که رونوشت آن ضمیمه است رفتار نماید. ذیل نمره ۱/۳۱ - ۱۶/۷/۷ در دفتر نمایش ثبت و مبلغ پنجاه ریال تمبر بورقه تقاضا نامه الصاق گردید.»

برای آگاهی بیشتر از اصلاحاتی که از «لحاظ ادبی و اصول فنی نمایش» به وسیله سانسورچی در نمایشنامه به عمل آمده و آنرا قابل اجرا کرده است، ابتدا متن نمایشنامه و سپس متن اصلاح شده به وسیله سانسورچی را مورد توجه قرار می دهیم.^{۱۶}

در صفحه اول متن اصلی نمایشنامه:

شنل - اشتباه کردی خیلی ناخوشی.

متن سانسورچی:

شنل - اشتباه می‌کنید من می‌دانم حال شما در چه حال است.
متن اصلی نمایشنامه:

شنل - شما باید زندگی خودتانرا تغییر بدهید.

متن سانسورچی:

شنل - شما باید طریق زندگی خودتانرا تغییر بدهید.
برای اینکه مشغله شما زیاد است، و همیشه غمگین هستید،
اگر سلامتی می‌خواهید باید به اندازه کار کنید و همیشه شاد
باشید.

متن اصلی نمایشنامه:

شنل - اولاً هر روز صبح در هوای آزاد بندر يك ساعت
گردش کنی.

متن سانسورچی:

شنل - اولاً لازم است هر روز صبح در هوای آزاد بندر
اقل دو ساعت گردش کنید.

در صفحه دوم - متن اصلی نمایشنامه ۱۷:

ژاکلین - خدایا شوهر من به من اجازه خواهد داد که بچه
را به بینم و اگر از دست من بچه را بگیرد چه خاکی بسر
بریزم، من خواهم مرد.

متن سانسورچی:

ژاکلین - آخ چطور قلبم می‌زند - کاش مرا می‌بخشید و
بچه‌ام را از من دور نمی‌کرد و به من اجازه می‌داد همین‌جا
بمانم. ولی اگر او نخواهد مرا ببیند و دوباره مرا به خانه
خود نپذیرد آنوقت حالت من چگونه خواهد بود.

متن اصلی نمایشنامه:

ژاکلین - پس لازم است که من آنرا به بینم و تاریخ

اینها را در این کتاب درج
 کرده‌ام تا هر کس که
 بخواهد در این باب
 مطالعه کند به این کتاب
 مراجعه کند.

این کتاب در سال ۱۳۰۰
 در تهران چاپ شده است.

نویسنده: *[نام نامشخص]*
 ناشر: *[نام نامشخص]*

این کتاب در سال ۱۳۰۰
 در تهران چاپ شده است.

نویسنده: *[نام نامشخص]*
 ناشر: *[نام نامشخص]*

این کتاب در سال ۱۳۰۰
 در تهران چاپ شده است.

نویسنده: *[نام نامشخص]*
 ناشر: *[نام نامشخص]*

- ۴۸ -

یلنه دیدمه فصل یازدی یا فیشدی،

عهدیه پیمان ایدوبده کلدیم. -

(موسیقی باش)

صنم - اکنیه گیدیم دوم قارا لباسی،

یدی ایل دوتدیم سنک ایلچون یاس،

آغلانذیم حالیه مسموع ناسی،

صنم سنک کلدیککنی ایندی آ گلادی.

غریب - آرادیم تاپدیم من سنی بورده،

قالدیر تقابگی دوتما سن برده،

غربت سفرینه گیتمز غریبک برده،

دورما سودیکم صنم کل کیدک. (کیدوزلر)

شاه ولد - حضرات! حقیقته عاشقی معشوقدن ایله مک زهی

بی انصاف بقدره اونه کوره من شاه صنم دن ال چکورم، قوی اولسون

عاشق غریبک حق حلالی.

جماعت - (بر کدن) یاشاسون شاه ولد، یاشاسون عاشق غریب،

یاشاسون شاه صنم، (شاه صنمک قولندن پاشوب تاپشیرور شاه ولد.)

(موسیقی)

۲	}	هامو - یاشا عاشق، یاشامشوق،
		سیز ای عاشق، یاشویون.
		خوشبخت اولین، بقی قالین،
		سیز، ای عاشق، یاشایون.

یاشایون، سیز، یاشایون، چوق یاشایون، عاشق!!!

- تمام برده -

- تمام برده -

(صفت ۲) **تجرباتی از این**
 او شو - اوه **گفطان** **سطلان** ولی **گسور** چطور د که دستمال زین من بدست و اناد
 گسور - من در این موم پیدا کردم اما گسور که که خوب بود مخصوصا انداخته است
 او شو - اوه من نگری نگری فکر
 دوگن بد او شو چطو با شد این المان را با اید را از من ساند درجه شما را میترم و صد هم بگایو
 این - خبره باقی را در محله بیگ ایم تا از نون حکم او صادر شود
 او شو - سر گید - من دو جور نهادم یک خواهمی از نما دارم وقتی برای این اتان وقتی را پریمد صد
 من آنچه را که بدو اند بوسید - بوسید که من زخم را دوست دارم بدرجه دو انگلی - پنهانم
 بوسه که از جهت همای من اندک نمی ریختنی حالا بر از اندک است و بوسید که یک دفعه من یک شخصی را
 دشم که بعد صداد بکش و تزی - من از گردن لو گرم و این خنجر را انگور میگردنت لور گرم (خنجر را
 بخود میزند)

Handwritten Persian text and official stamps on a document. The text includes the name "سید... ریالی" and "مجلس...". There are several circular stamps, one of which is clearly visible with the text "سازمان آفریننده" (Creative Organization) and "تهران" (Tehran). The document is dated "۱۳۰۴". There is also a rectangular stamp at the bottom left with the text "مجلس شورای...".

تمبر مالیه با سورشارژ طهران معارف ۱۳۰۴ به مبلغ پنج ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

این کمیسیون در پی اجرای نمایشنامه در سال ۱۳۱۳
تعمیرات گوناگون در آن مورد توجه قرار گرفته و در این زمینه
تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است.

در سال ۱۳۱۳ در پی تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است.

تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه
تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است.

تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه
تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است.

۱۳۱۳

تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است و در این زمینه
تعمیرات اساسی در آن مورد توجه قرار گرفته است.



جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تاریخ ثبت: ۱۳۱۳/۸/۲۹

شماره ثبت: ۲۸

موضوع: ...

این سند به موجب ...

در تاریخ ...

مجلسین ...

تقریرات ...

در صورت ...

نشانی ...

این مجاز ...

در تاریخ ...

تاریخ نامه ...

جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

۱۳۱۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۶- نمایشنامه شیلر شماره ثبت ۲۸ به تاریخ ۱۳۱۳/۸/۲۹

۱۵۵۶

مجلس ارشد عالی اهل بیت (علیهم السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا

کربلا

۱۳۷۶

کتابخانه

مجلس ارشد عالی اهل بیت (علیهم السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا

کربلا

۱۳۷۶

کتابخانه

۱- سیرت کاتبیه

۲- سیرت ابن ابی عمیر

۳- سیرت ابراهیم

۴- سیرت ابراهیم

۵- سیرت ابراهیم

۶- سیرت ابراهیم

۷- سیرت ابراهیم

۸- سیرت ابراهیم

۹- سیرت ابراهیم

۱۰- سیرت ابراهیم

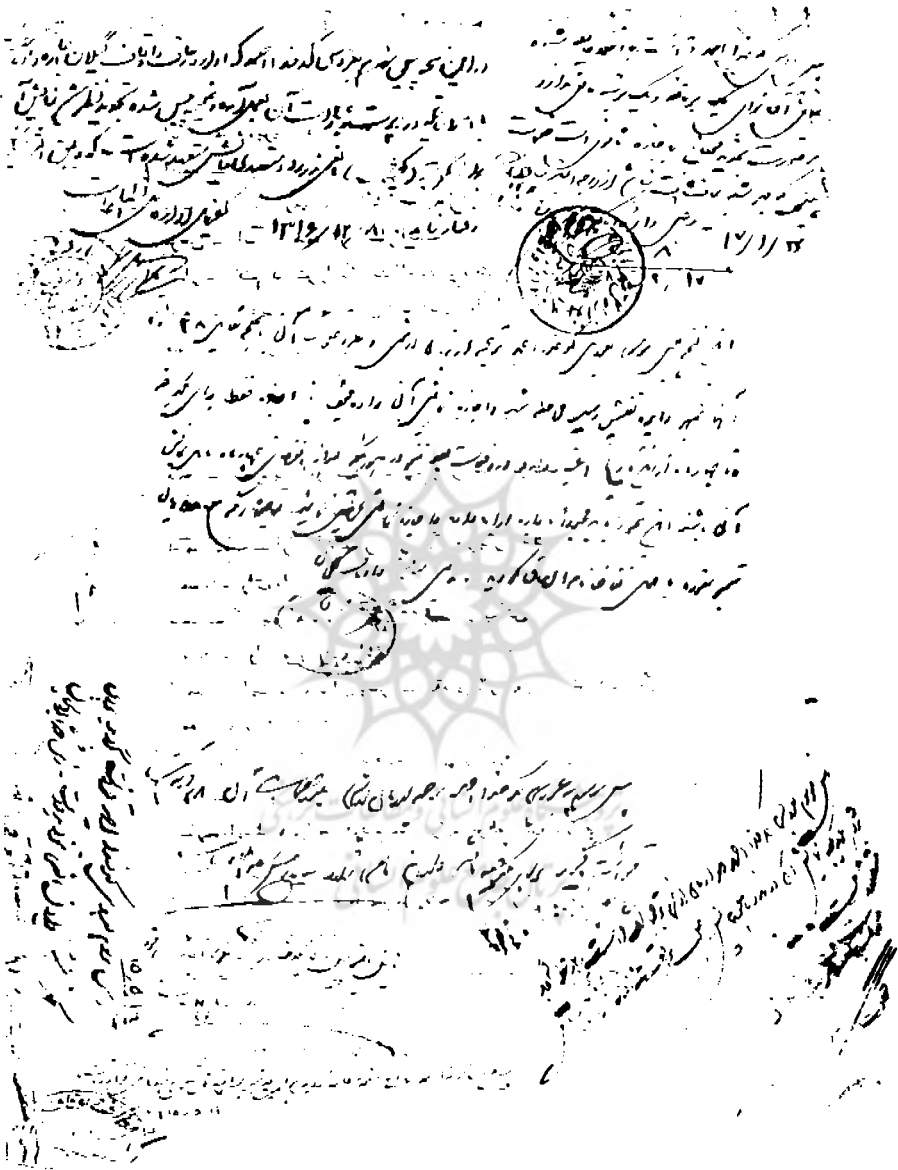
مجلس ارشد عالی اهل بیت (علیهم السلام) و اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا

کربلا

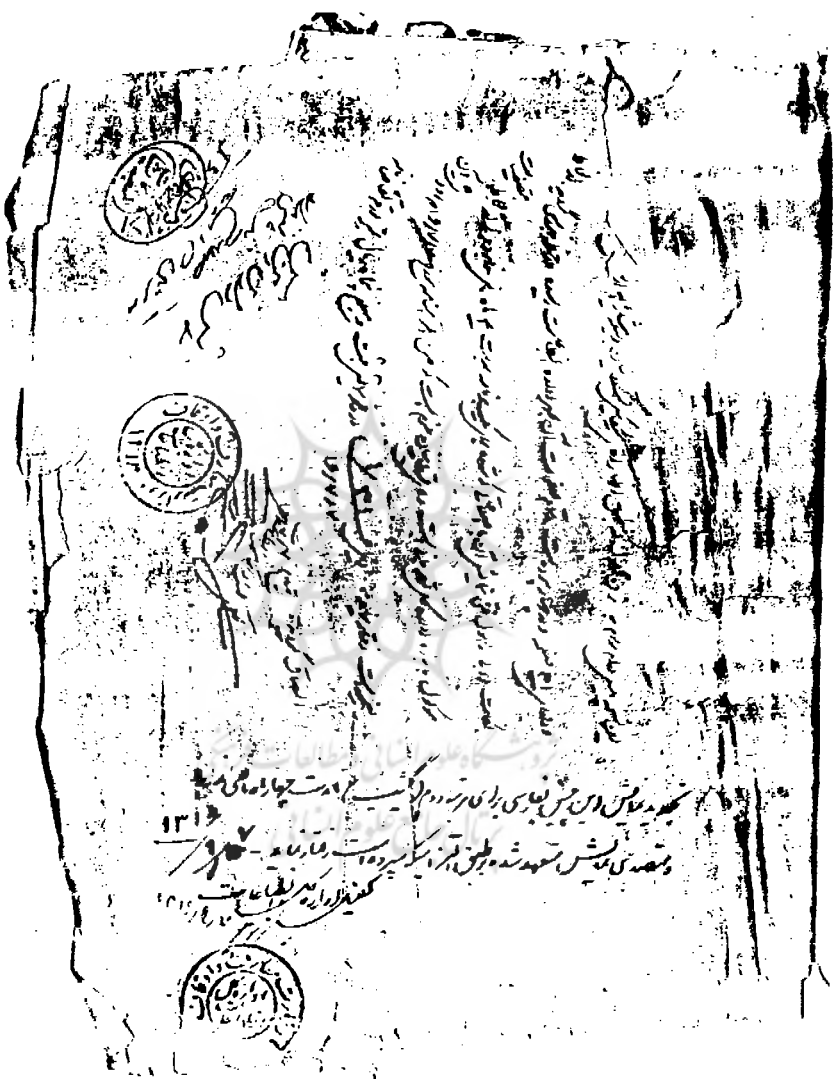
۱۳۷۶

پرتال جامع علوم انسانی

۷- اجازه اجرای نمایشنامه آرشین مال آلان در لاهیجان و بندر پهلوی



۸- اجازه اجرای «عروسی کنخدا احمد» از اداره معارف و اوقاف گیلان و اداره کل انطباعات تهران



۹- مجوز نمایشنامه «زن مجهول» که از لحاظ نکات ادبی و اصول فنی نمایش اصلاح شده

جمهوری اسلامی ایران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

سازمان سانسور مطبوعات

شماره ثبت: ...

تاریخ: ...

موضوع: ...

این سند به موجب ...

ملاحظه می‌گردد که ...

در خصوص ...

تذکره: ...

ملاحظات: ...

تاریخ تصویب: ...

محل: ...

امضاء: ...

مهر: ...

۱۰- صفحه اول نمایشنامه «زن مجنون» که مورد سانسور قرار گرفته است

(بسم الله الرحمن الرحيم)



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

(بسم الله الرحمن الرحيم)

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

مصنف: سنگینز

اَنْلَلُو

درام در پنج برده

کتابخانه

ترجمه استیپان سیونیان

(تصحیح، با همکاری آقای گرسیری)

کارگان:

- (۱) درکس ونیز (ویتیک)
- (۲) برایانسیو
- (۳) لیودونکو
- (۴) اتللو مار
- (۵) کامیو
- (۶) یاکو
- (۷) رودریکو
- (۸) مونتانو
- (۹) با نو دزده مونا
- (۱۰) امپا

نیز
 مؤلف: ویلیام وینز
 عضویت: مونا
 مجاز: درکس ونیز
 تاریخ: ۱۱/۱۱/۱۱
 کتابخانه
 یکی از بزرگان وینز
 دستورها: مونا
 روزه یاکو



+++ عضویت مونا
 +++ عضویت مونا
 +++ عضویت مونا

کتابخانه
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 تهران

((پسرده اول))

مجلس (۱)

((موقعی که پرده بالا میروند سالن بزرگی نمایان است دو کس و دو نفر دیگر به لوی میزن نشسته اند و در گوشه سالن دربان و نوکر در ایستاده اند))

دوکس - بدون شک آنها باید خواهند چهره کریهت بر سر سلطنته . آیا ما گوس لیوز در آنجا است ؟
عضو - خیر آنجا نیست بفلوآنسیا رفته است .
دوکس - باو بنویسد فوراً مراجعت کند . ^{۱۵۴} ~~شده~~ برابانیسیوا اتلسلو ماور شجاع دارند

مجلس (۲)

دوکس - اتلوری که تیرش را باید برای سرکوبی دشمنان دایمی باید ^۲ درنگ حرکت کنید
(نظریش به برابانیسیوا افتاده) سلام آقای برابانیسیو نشان دهید به بدم بسلامت
فکری نطاحتیاج داریم .

برابانیسیو - جناب دوکس میخواهم بنده بسلامت فکری شما محتاج ترم و باهت بیرون آسیدن بنده این سرکارهای مهم اداری نبوده همچنین موجب خلق تنگی ام امور مربوطه ~~بصورت~~ نیست بلکه درک های درونی من باندازه ایست که دارم خفته می شوم .

وزارت کشور

دوکس - مگر چه اتفاق افتاده .

برابانیسیو - دخترم جناب دوکس دخترم !

دوکس - دخترت ؟ مگر خدا نخواسته فوت کرده ؟

برابانیسیو - آری آری برای من ^{۱۵۴} ~~مهر~~ زهره خنری که کاملاً سالم است و ناصر المعقل نیست چیه ندارد از اثر سحر و جادو یا داری بیپوشی شخصی مفضوح و بد بخت شود .

دوکس - آقای برابانیسیو این کتاب قانون جزه را در اختیار شما میگذارم که شدهید فرین مجازات
X ~~بالتعمیر~~ ^{۱۵۴} ~~مطمئن~~ با شنید که شخص متهم ولو اینکه فرزند من باشد بسزای اعمال خود خواهد رسید .

وزارت کشور

برابانیسیو - بسیار متشکرم . پس بدانید که شخص متهم همین اتللو ماور است که برای انجام کارهای مهم احضارش فرموده اید !

دوکس - اتللو مقرر است ؟ از این پیش آمد بسیار متاسفم (خطاب با اتللو) اظهارات ایشان را شما صدیق میفرمائید ؟

برابانیسیو - بشما اطمینان میدهم آنچه را که بمن عرض رساندم تماماً صحیح و راست است .

اتللو - حضار محترم درست است که دختر این مرد پیر تحت اختیار من است و نیز درست است که یاد دخترش از دواج کرده ام و گمان میکنم گناه من فقط و فقط همین بوده البته من کسی نیستم که برای تیرته خود متوسل به دروغ و غسل شده و تقاضای صلح کنم زیرا این بار و هسا

۱۲- حذف جمله «من کتاب قانون جزا را در اختیار شما می گذارم که شدیدترین مجازات را انتخاب کنید» از متن نمایشنامه اتللو

این یاگو گومبار دست راست پلین است ~~من است~~ من دست نیستم و همکس
سریا ایستاده ام - شاحق نذارید خیال کنید که من ممکن است شوم (خنده میکند)

ناه ناه ناه (میروند و مانتو-یاگوی مانند)

مونتانو- انوس - انوس که انگلوی نجیب چنین کسی را ^{نمی‌شناسد} ~~میشناسد~~ خود شن کرده - یک شغل پرسئولیت
راینا سیوی شروب خور و دائم الخمر و اگذا کرده که خیلی کار مشکلی است -
یاگو- من کاسیورا دست میدام و آراین هاندت راترک کنه من حاضر هستی خود را نتارا و کم -

جلس (۱۰)

انها - رودریکو - کاسیو



رودریکو- (دران دران داخل بشود) آقایان بیائید - بیائید کک کک کک

کاسیو- (بعد از رودریکو ~~شماره~~) ای بی شرم - بی حیا

مونتانو- آقای کاسیو چه اتفاق افتاده ؟

کاسیو- این بی شرم جسارت را بجائی رسانیده که با اختیارات من چون وجرا دارد - توحق دستور

دادن بمن رانداری - مغز تو را تلاشی میکنم

رودریکو- مغز مرا تلاشی میکنی ؟

کاسیو- بلی - جسارتش را به بینید جواب هم میدهد (میخواهد بزند)

مونتانو- (کاسیورا خارج بشود) آقای کاسیو استدعا میکنم آرام باشید -

کاسیو- (مونتانو را از خود شن دور کرده) در رویند کنار بروید و گرنه نعتش شمارا هم کنار او میاندازم

مونتانو- معلوم میشود شما دست هستید ؟

کاسیو- من - من دست هستم - ناه ناه ناه خلاصه اینطور است در وقت یکم با هم گفتم

یاگو- (زیر گوش رودریکو) برویدون داد و فریاد کن تا قوس را جدا د چهار روز مردم کک بطلب

کاری کن که تمام اهالی از خواب بیدار شوند -

(خارج میشود)

یاگو- صبر کنید ~~مونتانو~~ عجب با سخنانهای خوبی هستید (صدای ناقوس شنیده میشود)

صدای ناقوس است - کیست که ناقوس میزند - آقایان اهالی شهر را از خواب بیدار

می کند - ~~مونتانو~~ آرام باشید -

اتللو- (از بیرون) چه خبر است و چه اتفاق افتاده ؟

مونتانو- سخت زخمی شده ام خون بدنم دارد تمام میشو ولیکن اوهم خلاص نخواهد شد (بازهم

حیرت میکند)

اتللو- (از بیرون) عجب موقوف کنید با شما هستم چرا این عمل زشت خانه نمید هید -

یاگو- ~~مونتانو~~ کاسیو - آقای مونتانو کافی است موقوف کنید -

((برگه سوم))

جلسه (۱)

دزده مونا - کاسیو - ایلیا

دزده مونا - (بانق ایلیا و کاسیو داخل میشوند) آقای کاسیو مطمئن باشید که نقاضای شما

اجابت خواهد شد در این خصوص تشویش نداشته باشید .

ایلیا - آقا - باور کنید که چند روز است یاگو شوخی گرفته است - مثل اینست که بدبختی برای

اوج ناته .

کاسیو - خانم معظم یقین بدانید که همواره جان نثار شما بوده و خواهیم بود

دزده مونا - متشکم چن ثابت شده است که شما همیشه نسبت به سرخ متگذار و وفادار بوده اید

ولی بدانید که خصمیلوروشی است . گاهن رعایت انضام و مقررات است و مستحقان را ملاطفت

میکند چنین کسی سببند . (اظلو و یاگوزد و زنیایان میشوند)

منظره (۲)

آنها - اظلو - یاگو



ایلیا - خانم زده مونا انشرف میاورند

کاسیو - اجازه بدید بنده مرخص بشوم خانم

دزده مونا - خیر نوبت نا راجع شما حضور صحبت کنم

کاسیو - خیر خواهش میکنم این صحبت را بوقت دیگر موکل بفرمائید بنده از حضور اظلو و یاگوزد عذرت

دزده مونا - هر طوری که میل شماست (کاسیو خارج میشود)

یاگو - (یاخود) او چرا بمن اعتنا نکرد . جقدر خود خواه وی معنی !

اظلو - (بیجاگوزد صاف شده) چه کفتی یاگو

یاگو - چیزی عرض نکردم

اظلو - گویا کاسیو بود که از نزد خانم دزده مونا خارج شد .

یاگو - بلی . آمان میدانم چرا شما را که دیدم مثل یکفر نراری از اینجا کتخت .

اظلو - (نزدیک دزده مونا میرود)

دزده مونا - آآن راجع بان چانی که در حق اری انهایی شده صحبت میکردیم که از تو سخت رنجیده

است .

اظلو - کی رنجیده است ؟

دزده مونا - کاسیو آسوسان سابق خودت . گوش کن اظلو سو مرا قلها دوست میداری خواهش میکنم

از تصیروا بگذری - آن بیچاره نسبت بتو صادق و صمیمی است - تصیروا هم عدی نبوده

اظلو - پس این کاسیو بود که بحضرت آمدن ما از اینجا خارج شد ؟

باین عمل زشت تحریک میکرد.

یا گو- ازمن نهرسید - هرچه میدانید کافی است - دهان من دیگر برای حرف زدن باز نخواهد شد.

اتللو- آره! شیطان (خطاب بکاسیو) کاسیو - بگو استیال من چگونه بدست تو افتاد؟
کاسیو - من آنرا در اطاق خودم پیدا کردم و با گوا عتراف نزد که آن دستمال را بعد از آنجا انداخته بودم.

اتللو- ای این انصاف - ای یلید نا بکار (گرمه میکند)

لیودویگو - اتللو شما با پداز این جا خاریج شوید و همراه من بیایید - مجالتا از شغل مصمصلهم خود مفضل شده ست توطئه کاسیو را گذاریدشود - یا کویدیا کار معلا اورا در زندان زیر شکنجه سخت میگذارند تا بگویند حکم قطعی مجازات صادر شود - بروم

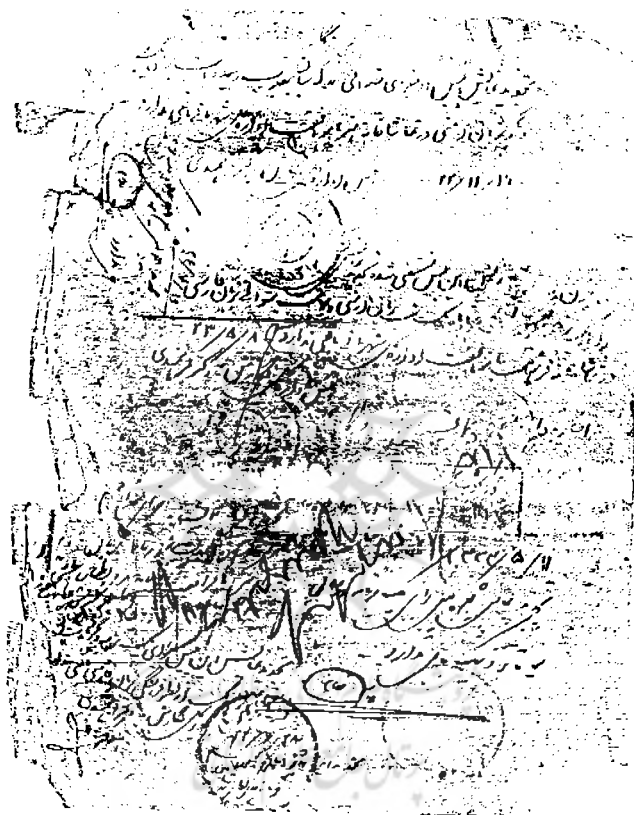
- (می خواهد برود ولی اتللو از رفتن رو مانع میشوند)

اتللو - صبر کنید - خواهش میکنم هرگونه عرض را بشنویید - البته مصدق میکنید که من بشما و باین آب و خاک خدمت کرده ام - استدعا دارم هر وقت خواستید راجع باین داستان وحشی کتابخانه توسید واقعه را معرفه مکنید - مجلس این مجلس در آن کسی بودم که نازنینم را دیدم و وارد شدم - اما اینک شخصی و جدان فرد بود که گوهر نایاب را از دست دادم (فرد مضموعه صا خا طرش ان کید که از چشمهای من هیچوقت اشک نریخت ولی حالات باران جاری است و همچنین اضافه کند که آن شخصی روزی در شهر حلب دیدم بود که یک مرد وحشی به یک شرافتمند و تیزی فحش میداد اتللو نیتوانست ظاقت بیاورد یاد ست چپ چانه آن فحش را گرفت و خنجر را باین ضرب نبرد کرد) شخصی را بگلولی خود کود می کشد فرو ببرد - بر خاسته و نزد یک دزده هرود اورای جوست روزی زمین س غلطد - هم در این موقع مات و مت چپرا یستاده اند)

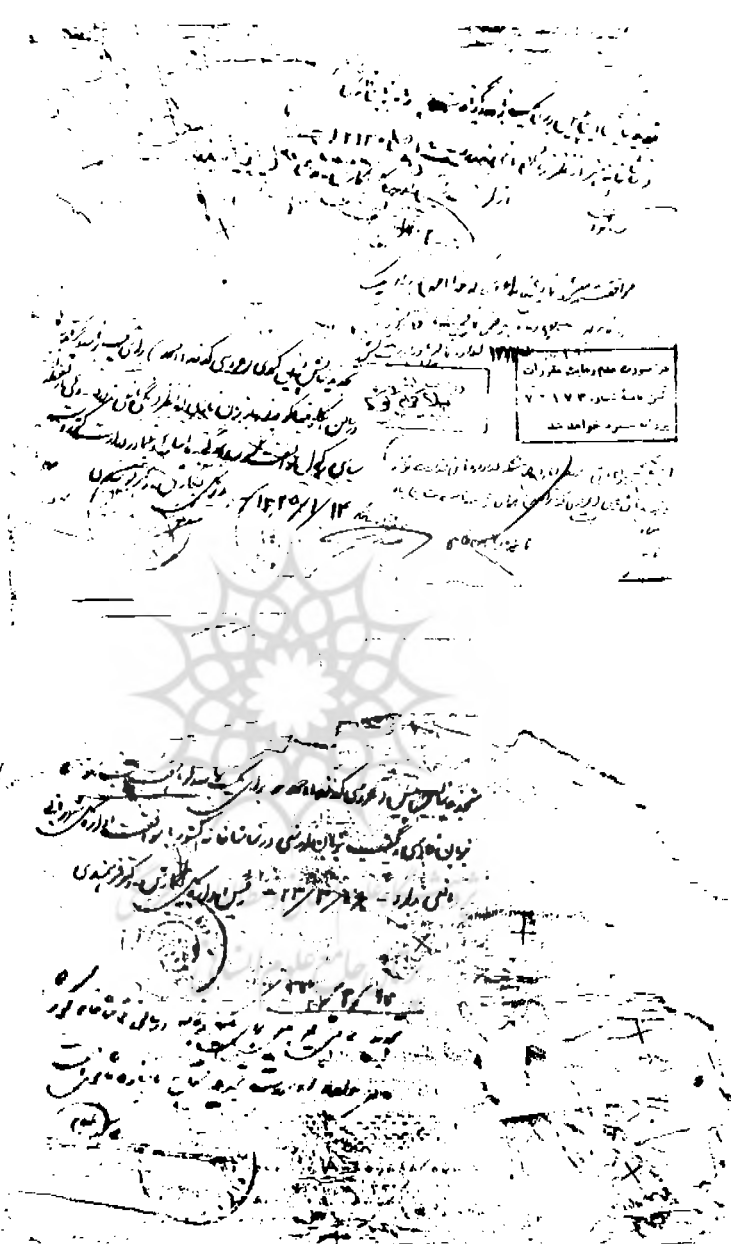
اتللو

اتنهای پیدان اتللو

مجموعه آراء نمایندگان در مجرای دربار
در جلسه ششمین مرتبه تمام صحبتات آن گورداره اطاعات گورداره
تیران فوری نامی در ردیف بعدی نشان نمودند است
در مراسم ۲۸/ ۱۳۱۹/۱۰ گورداره
تیران فوری نامی در ردیف بعدی نشان نمودند است
در مراسم ۲۸/ ۱۳۱۹/۱۰ گورداره



۲۰- اجازه اجرای نمایشنامه «جزای خدائی» به مدت هفت شب متوالی

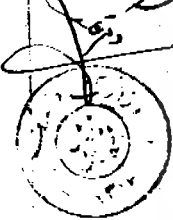


مجوز اجرای نمایشنامه «عروسی کدخدا احمد» در تماشاخانه کشور به مدت هفت شب

۱۹۱

تجدید بنای کرسی (جزای نهانی - جزای دیگر) برای یک بزرگوارت چهارده
بنیان خادکی از طرف قای درتت و سلطان بنان درینا از گیتی از نظر خلافت و درینگی
با وقت اداره بنایش در ارت کشور نهانی در ارد - ۲۰ / ۳ / ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶

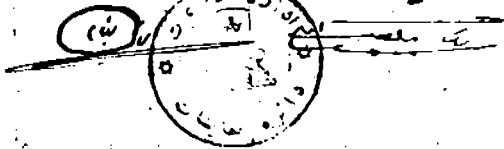
میر تقی‌الله - کور زخمی



تجدید بنای کرسی (جزای نهانی - جزای دیگر) برای یک بزرگوارت
چهارده بنیان خادکی از طرف قای درتت و سلطان بنان درینا از گیتی
مواظبت حاصل است

نمایند وند...

نمایند وند...



کتابخانه کورسینوز - سن ۱۳۲۵

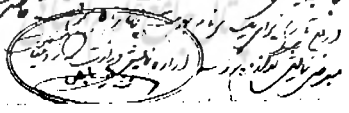
نسخه‌ای بنام «فرزند میهن» در مابیت آورده شده که به دستور کارگردان مورد ذکر می‌نمایش فیند در ۱۸ صحنه
 تنظیم شده و صحنه‌های آن به‌درازای نمایش رسیست. نمایش آن برای یک باره است چهارده و یک روز نشان از ای تهر
 آنظر از یکی نظر دیگر که می‌بینیم در آنجا می‌بینیم که در آن به‌طور کلی است فنی ندارد
 ولی آنفصل نظریه‌ای در کل بر فنیست که برین می‌بینیم در آنجا می‌بینیم که در آن به‌طور کلی است فنی ندارد
 در روزهای چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ و پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۲۵ نمایش همان نسخه است

دکتر گنجی، دکتر زندی



لایحه تقدیم کمیسیون آموزش و پرورش ۲۵ فروردین ۱۳۲۵
 در این لایحه به استحضار می‌رساند که در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین ۱۳۲۵
 در ایستگاه سینما در آن محل آمده و به نمایش درآید
 این نسخه نیز از آنجا که

۱۳۲۵/۱/۲۰
 به کمیسیون «فرزند میهن» که تمام صحنه‌های آن به‌درازای نمایش فیند در ۱۸ صحنه
 تنظیم شده و صحنه‌های آن به‌درازای نمایش رسیست. نمایش آن برای یک باره است چهارده و یک روز نشان از ای تهر
 آنظر از یکی نظر دیگر که می‌بینیم در آنجا می‌بینیم که در آن به‌طور کلی است فنی ندارد
 ولی آنفصل نظریه‌ای در کل بر فنیست که برین می‌بینیم در آنجا می‌بینیم که در آن به‌طور کلی است فنی ندارد
 در روزهای چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ و پنجشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۲۵ نمایش همان نسخه است



۲۲- اجازه اجرای نمایشنامه «فرزند میهن» نوشته سروان محمود زند
 کریمی و نظر کمیسیون نمایش در مورد تغییر دادن لهجه

این پیشنهاد را در صورتی که میسر شود به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این



۱۳۲۶ / ۷ / ۲

توجهت می‌رود این پیشنهاد در مورد (اداره کتب خانم) که مستوفی آن به اداره
 که کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دکتر...

تجدید مدارس نمایشنامه و کتابخانه
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این
 در این صورت در صورتی که این پیشنهاد به کمیته تخصصی و نمایان از اعضای عالی تر و گویا این

۲۳- اجازه اجرای نمایشنامه اسرار کوكب خانم
 پس از تصویب اداره كل نگارش و کیسیمیون بررسی نمایشنامه‌های
 وزارت کار و تبلیغات.

کتابخانه عمومی امام خمینی
تاسیس ۱۳۵۷
۲۳/۹/۲۷

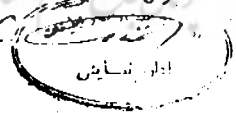
و ادوات کشور
اداره اسباب

خدمت شایسته ای را در خصوص برای کتابخانه است چهارم در کتابخانه امام خمینی
فرمان عالی از طرف ریاست جمهوری است اداره اسباب وزارت کشور می دارد -

مهر کتابخانه امام خمینی



بسم الله الرحمن الرحیم
کتابخانه امام خمینی
تاسیس ۱۳۵۷



بازدید پس از توضیح پرست برای خدمت در کتابخانه امام خمینی است شود



۱۳۶۱/۹/۲۳

تجدید تأیید این زمانه از راه فاش شده برای ...
 در زمانه از راه فاش شده ...
 (امضا) ...

۱۳۲۵/۰۳/۰۲

کمیسیون نمایندگی ...

تجدید تأیید این زمانه از راه فاش شده برای ...
 در زمانه از راه فاش شده ...

۱۳۲۵/۰۳/۰۲

کمیسیون نمایندگی ...

تجدید تأیید این زمانه از راه فاش شده برای ...
 در زمانه از راه فاش شده ...

۱۳۲۵/۰۳/۰۲

کمیسیون نمایندگی ...

اعضای کمیسیون نمایندگی در زمان فرمانداری نظامی در تهران

جدائی خود را از او به او شرح دهم، زیرا او من را خیلی دوست می‌داشت، بگو روزا هیچ از من یاد می‌کرد یا نه؟
متن سانسورچی:

ژاکلین - روزا من حتماً میل دارم او را ببینم این کمال بی‌عقلی است که هنوز علت دوری مرا نفهمیده، چنین قضاوتی بکند، خیر او مرا خیلی دوست می‌داشت و هرگز نمی‌تواند محبت مرا از دل خود دور کند، راستش بگو بدانم در عرض این مدت او هیچ یادی از من کرد؟

سانسورچی سپس نه سطر از متن نمایشنامه را به میل خود به کلی حذف کرده است، سطرهای حذف شده به شرح زیر است:

ژاکلین - باید من حتماً او را ببینم ولی خواهش می‌کنم که به او بگوئید يك زن منتظر شماست ولی اسم مرا خواهش می‌کنم که نگوئید.

روزا - بلی می‌فهمم.

ژاکلین - زودتر بروید دوست عزیزم روزا.

روزا - ای زن بدبخت.

ژاکلین، عکس بچه را برداشته و گریه می‌کند. آخ بچه عزیزم خوشحالی عمرم (در همین حال فلریو وارد می‌شود).

ژاکلین - آخ - آخ!

فلریو - ژاکلین!

ژاکلین - من خودم هستم.

پیر روی متن فوق ضربدر کشیده و روی آن نوشته (به

صفحات بعد رجوع شود)

در این قسمت حذف شده، مسئله خاصی مشاهده نمی-

گردد، سبب حذف آن را فقط سانسورچی می‌دانست و کسی را جسارت آن نبود که علت حذف را سؤال کند.

در صفحه چهار مجدداً یازده سطر را به میل خود حذف کرده است در متنی که حذف شده چنین آمده است:

روزا - شما خیلی کار بدی کردی.

فلریو - (به) چیزی که به شما مربوط نیست دخالت نکن.

روزا - این کار عاقلانه نبود که شما کردی، پشیمان خواهید شد. شما خیلی آدم سختی هستید، بروید.

شنل - همه چیز بچه خوب است و من در ساعت پنج دو - باره مراجعت خواهم کرد.

روزا - مسیو نوئل تشریف آوردند.

فلریو - بگو بفرمایند تو دوست قدیم من است، من گمان می‌کردم که مرده است، آخ نوئل.

نوئل - بلی عزیزم من خودم هستم.

فلریو - چقدر خوشحال هستم که شما را دیدم دوست عزیزم نوئل شما سلامت هستی؟

فلریو - دوست من دکتر شنل است.

نوئل - خیلی خوشحال هستم.

فلریو - دست بده به دکتر که اولاد مرا نجات داده.

در صفحه نه نمایشنامه متن اصلی چنین است:

ویکتور - گمان نمی‌کنم.

لاروک - فضولی نکن.

متن فوق به این صورت درآمد که بیانگر برخی نیاز - های روحی سانسورچی است:

ویکتور - چرا هرکس پول داشته باشد می‌تواند به خوشی

گذران بنمایید؟

لاروکک — آفرین؛ بارکک‌الله.

مجدداً سانسورچی در صفحه نه، متن اصلی نمایشنامه به شرح زیر رابه این صورت تغییر داده است:

لاروکک — خیر

ویکتور — فرمایش ندارید

لاروکک — خیر بطری پر است تا خالی نشود نمی‌برید.

ویکتور — برای من تفاوتی ندارد.

در صفحه دوازده بدون ذکر کلمه‌ای سه سطر زیر را به

میل خود به متن نمایشنامه افزوده است:

ژاکلین — وقتی که بروز بدهید آن وقت عقیده مرا پیدا

می‌کنید.

فلیکس — این‌ها همه موهومات است، من باور ندارم این‌ها

همه مستخره است.

ژاکلین — خردت هم نمی‌دانی چه می‌گوئی.

معمولاً در نمایشنامه‌هایی که دچار سانسور می‌شوند به

اصطلاح سانسورچی‌ها با توجه به مقتضیات! جملاتی از متن

نمایشنامه حذف می‌شد، ولی سانسورچی نمایشنامه «زن

مجهول» ذوق نمایشنامه‌نویسی‌اش گل کرده و مطالبی به‌میل

و اراده خود بر متن نمایشنامه افزوده است.

مجدداً در صفحه شانزده، دو سطر به متن نمایشنامه

اضافه کرده است. به شرح زیر:

ژاکلین — من نمی‌خواهم اولاً مرا ببینی، تو نباید به‌خانه‌ای

بروی که اولادم آنجا است، نه، نه، نمی‌خواهم نمی‌گذارم.

لاروکت - بس است و الا بد می‌شود.

متأسفانه سانسورچی متن صفحات هفده، هیجده و نوزده را که پرسش مدعی‌العموم (دادستان) از شاهدان قتل و پاسخ آنان به مدعی‌العموم است به کلی دگرگون و تحریف کرده و مقداری نیز از متن نمایشنامه را در صفحه نوزدهم حذف کرده است.

در سال ۱۳۱۶ استپان سیمونیان با همکاری علی‌اصغر گرمسیری نمایشنامه «اتللو» را به زبان فارسی ترجمه کرد، و ترجمه چون برای کسب اجازه جهت نمایش به اداره کل انطباعات ارائه گردید، شدیداً از تیغ سانسور گزند دید. سانسور از صفحه نخست نمایشنامه آغاز گردید، صفحه اول که شخصیت‌های نمایشنامه در آن معرفی می‌گردند تغییر داده شد به شرح زیر^{۱۸}:

دوکس ونیز فرمانفرمای ونیز بر روی کلمه فرمانفرما خط کشیده شده است و نوشته شده «بزرگت - فرمانفرمای ونیز» شد «بزرگت ونیز».

برابانسیو عضو سنا و پدر خانم دزدمونا بر روی کلمه عضو سنا خط کشیده و آنرا حذف کردند.
اتلوماور فرمانده ونیز
بر روی کلمه فرمانده خط کشیده و کلمه شجاع به جای آن نوشته شد.

کاسیو آجودان اتللو

آجودان را خط زده نوشته شد معاون

در پرده اول يك سطر از متن نمایشنامه را که از قانون صحبت کرده حذف کرده‌اند.

دوکس - آقای برابانسیو من کتاب قانون جزا را در اختیار شما می‌گذارم که شدیدترین مجازات را انتخاب کنید و مطمئن باشید که شخص متهم ولو اینکه فرزند من باشد به سزای اعمال خود خواهد رسید.

سانسورچی جمله ۱۹ «من کتاب قانون جزا را در اختیار شما می‌گذارم که شدیدترین مجازات را انتخاب کنید» از نمایشنامه حذف کرده است.

سانسورچی همچنین سطرهای زیر را به کلی از متن نمایشنامه حذف کرده است:

صفحه پنج « به امر فرمانفرما و اعضای محترم مجلس برای قلع و قمع»

«ساعت ۹ برای شور و صدور حکم در اینجا جمع می‌شویم»

صفحه ده - «امشب پاسبانی قلعه با کاسیو خواهد بود»

صفحه چهارده^{۲۰} - «این یاگو گروهبان دست راست و

این هم دست چپ من است»

«کاری کن که تمام اهالی از خواب بیدار شوند»

صفحه پانزده - «آیا میل‌دارید دست به قبضه شمشیر برم»

صفحه شانزده^{۲۱} - «اساس زندگانی ما بر همین پایه

قرار دارد. کارهای ما برنامه معینی ندارد - با وقت و بیوقت

بیدار ماند و منازعات و مشاجرات را مرتفع کرد.»

«باید در نظر داشت که فرمانده حقیقی ما فعلا خانم

دزدموناست و عنان افکار و اراده اتللو سردار نامی ما به

دست اوست.»

صفحه هیجده^{۲۲} - ولی بدانید که غضب او موقتی است

گاهی رعایت انضباط و مقررات يك سرداری را وادار

می‌کند چنین حکمی بدهد»

صفحه نوزده - «از طرف افسران ارشد^{۲۰}»

صفحه بیست و چهار - «بدرود ای پرچمهای فتح -

احترام و تجملات، نشانهای پرافتخار»

صفحه سی و دو - «معاون فرمانفرمای ونیز است»

صفحه سی و سه - «اتللو شجاع

اگر از اشک چشم زن سیل راه بیفتد دلتان نسوزد

اعضای مجلس شورا و سنا همیشه بدون اینکه از

بنده بشنوید خودتان خواهید دید.»

صفحه چهل^{۲۳} - «آنهم دوست داشتن تو، نه، نه،

بگو برای چه لباسهایترا بدندان می‌گیری

خیرخواهی بی‌غرضی بوده که تمام فرشتگان خدا به

ما توصیه کرده‌اند و با این گفته‌های دروغ مرا

بیشتر به انجام تصمیم خودم نزدیک می‌کنی

کاسیوی جوان را بی‌تقصیر کشتن خیانت است.»

مأمور سانسور نمایشنامه‌ها پس از آنکه نمایشنامه

«اتللو» را به خوبی سلاخی کرد طی شرح زیر به آن اجازه

نمایش داد^{۲۴}:

«این نسخه پیس درام موسوم به (اتللو) اثر شکسپیر

ابرازیه آقاسی قسطنطنیان در پنج پرده که از زبان ارمنی

بفارسی ترجمه شده بود و دارای ۴۵ صفحه نیم ورق و تمام

صفحات آن بمهر اداره انطباعات ممهور است، برای یک

برنامه (دو شب) بزبان فارسی مانعی ندارد. متصدی نمایش

متعهد شده است بر طبق التزامیکه سپرده است رفتار نماید.

مبلغ پنجاه ریال تمیر بورقه تقاضانامه الصاق گردید در دفتر

نمایش ذیل نمره ۳/۱۲ ثبت شد. ۱۳۱۶/۱۰/۲۸
کفیل اداره کل انطباعات

نمایشنامه «عروسی کدخدا احمد» که در سال ۱۳۱۵ پس از تفتیش و سانسور و کسب مجوز از اداره معارف و اوقاف گیلان در رشت به روی صحنه آورده شده بود، در سال ۱۳۱۶ از سوی اداره کل انطباعات مورد تجدید نظر قرار گرفت و به شرح زیر به آن اجازه نمایش داده شد:

«این نسخه پیس موسوم بعروسی کدخدا احمد» که اداره معارف و اوقاف گیلان اجازه داده است. با اصلاحاتی که در اپرت و عبارات آن بعمل آمده و ضمیمه پیس شد تجدید نظر شد، نمایش آن برای یکمرتبه (یکشب) مانعی ندارد. متصدی نمایش متعهد شده است که بر طبق التزامیکه داده است رفتار نماید ۱۳۱۶/۱۲/۸ کفیل اداره کل انطباعات».

وزارت معارف و اوقاف از سال ۱۳۱۷ تبدیل به وزارت فرهنگ گردید و اداره کل انطباعات به اداره کل نگارش تغییر نام داده، و این اداره کل به بررسی و تفتیش نمایشنامه ها پرداخت.

از سال ۱۳۲۰ محل اجرای نمایشنامه ها در متن مجوز نوشته می شد. اجازه نمایش نمایشنامه «اتللو» برای نمونه نوشته می شود^{۲۵}:

۱۳۲۱/۲/۱۲

«تجدید نمایش پیس «اتللو» برای یکشب بزبان فارسی در یکشب تا مدت چهار ماه در سالن سینما پالاس با اصلاحاتی که در آن بعمل آمده است با جلب موافقت اداره کل شهر بانی

مانعی ندارد.» رئیس اداره کل نگارش-دکتر فرهمندی سالیان متمادی به متقاضیان نمایش نمایشنامه‌ها، اجازه داده می‌شد که فقط به مدت یک شب در مدت چهار ماه نمایشنامه مورد نظر خود را پس از کسب مجوز به روی صحنه بیاورند. از سال ۱۳۲۲ تحولی بس شگفت به وقوع پیوست، اداره کل نگارش به متقاضیان نمایش، اجازه داد که نمایشنامه را مدت زمان بیشتری اجرا کنند. یکی از این نمایشنامه‌ها، «اتللو» بود که به آن اجازه داده شد هفت شب متوالی اجرا شود: ۲۶

«چون مدت اعتبار نمایش این پیس منقضی شده تجدید نمایش آن برای یک برنامه تا مدت چهار ماه یک شب بزبان ارمنی و ۷ شب متوالی بزبان فارسی در تماشاخانه فرهنگ با موافقت اداره کل شهر بانی مانعی ندارد

۸/۵/۲۲ رئیس اداره کل نگارش - دکتر فرهمندی.»

در سالهایی که حکومت نظامی در تهران برقرار گردید، اداره کل نگارش نمایشنامه‌ها را «از نظر فرهنگی» مورد بررسی قرار داد، ولی «از نقطه نظر سیاسی» اجازه نمایش موکول به موافقت کمیسیون رسیدگی به نمایشنامه‌ها و سینما در وزارت کشور گردید. اعضای کمیسیون نمایش در وزارت کشور عبارت بودند از ۲۷: نماینده فرمانداری نظامی، نماینده شهر بانی کل کشور (دایره نمایشات اداره اطلاعات شهر بانی) و نماینده وزارت کشور (اداره نمایش). پس از موافقت این کمیسیون نمایشنامه قابل اجرا بود.

از سال ۱۳۲۵ اداره نمایش - اداره کل تبلیغات و انتشارات وزارت کار و تبلیغات علاوه بر اداراتی که

نمایشنامه‌ها را مورد بررسی و سانسور قرار می‌دادند، خود به سانسور نمایشنامه‌ها پرداخت. نمایشنامه «فرزند میهن» نوشته سروان محمود زند کریمی «درام اپرت» در سه پرده به اداره کل نگارش ارائه گردید، اداره کل مزبور در تاریخ ۱۳۲۵/۴/۴ اجازه نمایش را صادر کرد. در بخشی از متن اجازه‌نامه نمایشنامه نوشته شده است^{۲۸}:

«نمایش آن برای يك برنامه تا مدت چهار ماه در یکی از تماشاخانه‌های تهران از نظر فرهنگی به منظور تحریک حس میهن پرستی و فداکاری جوانان با اصلاحاتی که در آن بعمل آمده است مانعی ندارد. ولی از نقطه نظر سیاسی موکول به موافقت کمیسیون رسیدگی به نمایشنامه‌ها و سینما (در وزارت کشور است).»

کمیسیون وزارت کشور در ۱۳۲۵/۴/۱۵ با اجرایی نمایشنامه (فرزند میهن) برای يك برنامه با رعایت اصلاحاتی که در نمایشنامه به عمل آمده است و تغییر لهجه ترکی به کاشی موافقت کرد^{۲۸}.

نمایشنامه «فرزند میهن» به روی صحنه آورده شد و چون در آبان‌ماه همان سال مجدداً قصد اجرای آنرا داشتند، اداره نمایش وزارت کار و تبلیغات گام به میدان نهاد و دوباره اصلاحاتی در نمایشنامه به عمل آورد، در بخشی از متن اجازه‌نامه نوشته است:

«بدیهی است اصلاحاتی که بعمل آمده میبایستی مراعات شود.»

اداره نمایش اداره کل تبلیغات و انتشارات از آن پس یک‌تاز میدان تفتیش و سانسور گردید، و چون حکومت نظامی

ملفی گردید، اداره کل تبلیغات و انتشارات کمیسیون بررسی
نمایشنامه‌ها را تشکیل داد و به بررسی و سانسور
نمایشنامه‌ها پرداخت.

اداره کل نگارش که وظایف جدیدی برای آن تعیین شده
بود به اداره کل نگارش و هنرهای زیبا تغییر نام داد و کماکان
به بررسی و سانسور نمایشنامه‌ها از «نقطه نظر فرهنگی»
پرداخت ولی از نقطه نظرهای دیگر اجازه، موکول به موافقت
اداره کل انتشارات و تبلیغات بود.

نمایشنامه «اسرار کوکب خانم» کمدی در سه پرده که از
اداره کل نگارش اجازه نمایش گرفته بود به اداره کل
انتشارات و تبلیغات ارائه گردید. اداره کل مزبور بخشی از
نمایشنامه را تغییر داد و با اجرای آن به شرح زیر موافقت
خود را اعلام کرد^{۲۹}:

۱۳۲۶/۷/۲

موافقت میشود این نمایشنامه بنام (اسرار کوکب خانم)
که صفحه‌های آن بمهر اداره کل نگارش وزارت فرهنگ
ممه‌پور گردیده است. طبق تصویب کمیسیون بررسی
نمایشنامه‌ها از این تاریخ برای یک برنامه و چند شب متوالی
تا مدت چهار ماه با رعایت اصلاح و حذف قسمت‌های خط
کشیده شده با مبادا قرمز در سینما تئاتر فرهنگ شهر تهران
بمعرض نمایش گذارده شود.

رئیس اداره نمایش اداره کل تبلیغات و انتشارات

۱۳۲۶/۷/۷

سال ۱۳۲۶ سال سردرگمی دست‌اندرکاران تئاتر برای
کسب اجازه جهت اجرای نمایشنامه بود، چون پیش از آن

چنانچه قصد اجرای نمایشنامه‌ای را در شهرستانی داشتند اداره فرهنگ و سپس کمیسیون نمایشات آن شهرستان نمایشنامه را مورد بررسی قرار داده و اجازه نمایش می‌داد. ولی در سال ۱۳۲۶ اداره کل نگارش و هنرهای زیبای وزارت فرهنگ اجازه به‌روی صحنه آوردن نمایشنامه «اسرار کوکب خانم» در شهرستانهای همسایه و کرمانشاه را در تهران صادر کرد، البته با کسب موافقت اداره نمایش وزارت کشور^{۲۶}، ولی در سال‌های بعد مجدداً روال پیشین متداول گشت، نمایشنامه «اتللو» در سال ۱۳۲۸ در شهرستانهای مختلف خوزستان منجمله آبادان و مسجد سلیمان به‌روی صحنه آورده شد^{۲۷}. نمایشنامه مزبور قبل از اجرا مورد بررسی اداره فرهنگ قرار گرفت و اجازه نمایش آن صادر گردید. رویمهرفته باید گفت که گرچه ضوابطی برای سانسور نمایشنامه‌ها تعیین گردید ولی مسئولان سانسور نمایشنامه‌ها بیشتر به میل و سلیقه و برداشت خود توجه داشتند تا به ضوابط.

۱- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، کوئل کهن، جلد یکم. از ۱۲۵۳ هجری قمری تا صدور فرمان مشروطیت، مؤسسه انتشارات آگاه - تهران ۱۳۶۰ صفحه ۱۲۲.

۲- لغت‌نامه دهخدا.

۳- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۶ صفحه ۴۱۷.

۴- تصویر شماره ۱
 ۵- تصویر شماره ۲
 ۶- تصویر شماره ۲
 ۷- تصویر شماره ۳
 ۸- سورشارژ، فلز یا لاستیکی که برای تغییر قیمت یا رسمی شدن تمبر و یا معرفی آن جهت مصارف دولتی (سرویس) تاکس، مصارف خیریه، موقتی و یا تغییر حکومت و سلطنت و موارد دیگر تهیه نموده، روی تمبر می‌زنند. به هرچه از این قبیل که نام برده شد روی تمبر اضافه شود سورشارژ می‌گویند. راهنمای تمبرهای ایران - از انتشارات مؤسسه نوین فرح‌بخش و پسران ۱۳۶۰ تهران، صفحه ۴.



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

- ۹- تصویر شماره ۳
 ۱۰- تصویر شماره ۴
 ۱۱- تصویر شماره ۵
 ۱۲- تصویرهای ۵ و ۶
 ۱۳- تصویر شماره ۷
 ۱۴- تصویر شماره ۸
 ۱۵- تصویر شماره ۹
 ۱۶- تصویر شماره ۱۰
 ۱۷- تصویر شماره ۱۱
 ۱۸- تصویر شماره ۱۲
 ۱۹- تصویر شماره ۱۳
 ۲۰- تصویر شماره ۱۴
 ۲۱- تصویر شماره ۱۵
 ۲۲- تصویر شماره ۱۶
 ۲۳- تصویر شماره ۱۷
 ۲۴- تصویر شماره ۱۸
 ۲۵- تصویر شماره ۱۹
 ۲۶- تصویر شماره ۲۰
 ۲۷- تصویر شماره ۲۱
 ۲۸- تصویر شماره ۲۲
 ۲۹- تصویر شماره ۲۳
 ۳۰- تصویر شماره ۲۴



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی